

طراحی مدل پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه

لیلا شرفی*

دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

روح‌اله رضائی

دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

علی‌اصغر میرک‌زاده

استادیار گروه ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

اسماعیل کرمی‌دهکردی

دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

چکیده

مطالعه حاضر با هدف طراحی مدل پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان و مطلعان کلیدی در استان کرمانشاه بودند که از بین آنها ۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله‌برفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های تحقیق از مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد. فرایند گردآوری داده‌ها تا سطح اشباع نظری یا آستانه سودمندی اطلاعات قابل دسترس ادامه یافت. تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۱۱ انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که ابعاد اصلی پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی شامل پایداری اقتصادی (متشکل از مؤلفه‌های عملکرد مالی، خوداتکایی و استقلال مالی، عملکرد مشتری و بازار و نوآوری و توسعه فعالیت کسب‌وکار)، پایداری اجتماعی (متشکل از مؤلفه‌های ارتباطات و تعاملات اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اعتماد اجتماعی متقابل) و پایداری زیست‌محیطی (متشکل از مؤلفه‌های تولید سالم و پایدار، حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زیست‌محیطی و مدیریت ضایعات و پسماندها) می‌باشند. افزون بر این، نتایج تحقیق حاکی از آن بود که اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه شامل عوامل درون‌سازمانی (متشکل از عوامل فردی و خانوادگی مدیر، عوامل مرتبط با بازاریابی، عوامل اقتصادی- مالی، عوامل تولیدی و ویژگی‌های محصول، عوامل مرتبط با ویژگی‌های کسب‌وکار و عوامل ارتباطی و اطلاعاتی) و عوامل برون‌سازمانی (متشکل از عوامل سیاسی- قانونی، زیرساختی- حمایتی و عوامل مرتبط با مداخلات ترویجی) بوده است.

واژه‌های کلیدی: پایداری، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، کشاورزی، کرمانشاه.

* نویسنده مسئول مکاتبات، Sharafi.lila@yahoo.com

مقدمه

بررسی تأثیرگذاری کسب و کارهای کوچک و متوسط توسط صاحب نظران مختلف حاکی از آن است که نقش این نوع کسب و کارها در اقتصاد کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه بسیار پررنگ است (Honjo & Harada, 2006). بر اساس مطالعات انجام شده، کسب و کارهای کوچک و متوسط، توانایی پاسخگویی سریع به تغییرات بازار و نیازهای مشتری را دارند و به آسانی می‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند (Zhang et al., 2006). همچنین، نقش آنها به عنوان مولد اشتغال، تقویت انسجام اجتماعی، کاهش فقر، افزایش مزیت رقابتی و توسعه ملی و منطقه‌ای در بسیاری از کشورها مورد تأکید قرار گرفته است (Christina et al., 2014). علی‌رغم مزیت‌ها و قابلیت‌های کسب و کارهای کوچک و متوسط و بیان این که ایده اولیه شکل‌گیری این نوع کسب و کارها در حوزه اقتصادی طرح شده و توسعه آنها با تأکید بر اهداف تجاری و درآمدزایی صورت گرفته است، از این‌رو، در ادامه مسائل و مشکلات جدیدی پدیدار شد که بخش عمده‌ای از آنها ناشی از پیامدها و تأثیرات فعالیت‌های واحدهای تجاری بر روی محیط زیست و اجتماع است. شمار زیادی از پژوهشگران طی ربع قرن گذشته، تصدیق کرده‌اند که فعالیت‌های کسب و کارهای کوچک و متوسط بر محیط خارجی تأثیرگذارند و پیشنهاد کرده‌اند که چنین کسب و کارهایی باید به طیف گسترده‌ای از مخاطبان همچون ذینفعان خود پاسخگو باشند. به عبارت دیگر، وظیفه کسب و کارها و بنگاه‌های کوچک و متوسط تنها بیشینه‌سازی سود و بازده اقتصادی نیست، بلکه به‌طور عمده شامل تمامی جنبه‌های زیست‌محیطی و خدمات اجتماعی نیز می‌شود (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۳). تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد، هر چند، یک بنگاه یا واحد کسب و کار ممکن است با فعالیت‌های تجاری خود در کوتاه‌مدت به سود دست یابد، ولی معیارهایی مانند رفتار اجتماعی بنگاه، پاسخگویی اخلاقی و در نظر گرفتن منافع دیگر ذینفعان است که سبب می‌شود بقای بنگاه در درازمدت حفظ شده و بتواند به فعالیت خود ادامه دهد (خدماتی‌پور و شفیع‌ی همت‌آباد، ۱۳۹۲). به همین منوال، رویکرد تک بعدی تجاری در توسعه بنگاه‌ها و واحدهای کسب و کار و بالا بردن سود بدون توجه به محیط پیرامون آنها، منجر به ایجاد پیامدهای زیست‌محیطی منفی همچون آلودگی آب‌وهوا، گرم شدن زمین، کاهش تنوع جانوران و گیاهان و سایر موارد گردیده است. با توجه به ایجاد چنین مسائلی، بسیاری از محققان و صاحب نظران بر این باورند که واحدهای کسب و کار برای اینکه بقای خود را در جامعه تضمین کنند، باید تدابیری بیانندیشند که نه تنها منافع سهامداران، بلکه منافع دیگر ذینفعان مانند کارکنان، تأمین‌کنندگان، مشتریان، دولت، سازمان‌های غیردولتی و حتی محیط زیست نیز در نظر گرفته شود (Freeman, 2010). چنین کسب و کارهایی بنگاه‌های پایداری محسوب می‌شوند که علاوه بر حفظ فعالیت‌های خود در یک سطح سودآور، محدودیت‌های نظام اجتماعی-اکولوژیکی که خود نیز

بخشی از آن می‌باشند را مورد توجه قرار می‌دهند (Parrish, 2010, Atkinson, 2007). در واقع، پایداری کسب و کارها در مسیر توسعه پایدار منجر به بازی برد-برد برای صاحبان کسب و کار از یک‌سو و جامعه و محیط زیست از سوی دیگر می‌شود (Parrish, 2010). به‌رغم اهمیت موضوع پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط، بررسی‌ها حاکی از آن است که در عمل بسیاری از کسب و کارهای کوچک و متوسط ایجاد شده در بخش‌های مختلف به طور عام و در بخش کشاورزی به طور خاص به دلیل مواجهه با دشواری‌ها و موانع پرشمار اعم از سیاسی-زیرساختی، قانونی، مالی-هزینه‌ای، مهارتی-آموزشی، فنی-جغرافیایی و ارتباطی-اطلاع‌رسانی (رضائی و صفا، ۱۳۹۵)، از سطح پایداری مناسبی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخوردار نبوده و پایداری آنها با تردیدهای فراوانی همراه است (سپه‌پناه و موحدی، ۱۳۹۴)، به نحوی که بسیاری از این کسب و کارها نه تنها در ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی از عملکرد مناسبی برخوردار نیستند، بلکه در بعد اقتصادی و درآمدزایی نیز چندان موفق عمل نکرده و در نتیجه، در مدت زمان کوتاهی پس از راه‌اندازی دچار شکست شده و فعالیت‌شان متوقف می‌شود (رضائی و صفا، ۱۳۹۵).

در استان کرمانشاه، بنگاه‌های کوچک و متوسط بیش از ۹۰ درصد کل کسب و کارها در استان را تشکیل داده و به طور متوسط، ۹۵ درصد از اشتغال استان توسط این بنگاه‌ها ایجاد شده است. در همین زمینه، در استان کرمانشاه تعداد قابل توجهی بنگاه کوچک و متوسط در زیربخش کشاورزی مشغول به فعالیت هستند که این تعداد در حدود ۴۱۲۷ فرصت شغلی ایجاد کرده است (سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمانشاه، ۱۳۹۶). علی‌رغم ظرفیت بالای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در سطح این استان، شواهد گویای آن است که بسیاری از این نوع کسب و کارها در بخش‌های مختلف به‌ویژه در بخش کشاورزی از پایداری لازم برخوردار نبوده و در نتیجه، در همان مراحل اولیه راه‌اندازی دچار مشکل و رکود شده و پس از مدتی از بین رفته‌اند. برای نمونه، بر اساس گزارش پارک علم و فناوری استان کرمانشاه (۱۳۹۳)، ۵۱/۹ درصد کسب و کارهای کشاورزی در سطح استان به دلیل رعایت نکردن شاخص‌های اقتصادی مانند نداشتن امکانات مالی کافی برای تقویت شرکت یا خریداری زمین و عدم توانایی در بازپرداخت اقساط وام، از پایداری اقتصادی لازم برخوردار نبوده و غیرفعال شده‌اند. همچنین، ۳۲/۶ درصد این کسب و کارها بنا به دلایلی همچون نداشتن گروه کاری مناسب و تخصصی، مهاجرت و نبود شبکه‌سازی و عدم تعامل مناسب با سایر کسب و کارها دارای پایداری اجتماعی کافی نمی‌باشند. به همین منوال، ۱۵/۳ درصد از کسب و کارهای کشاورزی به دلیل عدم توجه کافی به شاخص‌های زیست‌محیطی مانند عدم استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، نداشتن دسترسی مناسب به منابع آب، نبود بذر و نهادهای مناسب کشاورزی و استفاده بیش از حد سموم و آفت‌کش‌های شیمیایی، در بعد پایداری زیست‌محیطی نیز دچار مشکل شده‌اند. در مجموع، وجود چنین شرایطی سبب

شده است تا بیش از دو سوم کسب‌وکارهای کشاورزی در استان کرمانشاه در دو الی چهار سال اولیه آغاز فعالیت خود دچار مشکل شده و فعالیت آنها متوقف شود (سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمانشاه، ۱۳۹۶). به هر حال، آنچه مسلم است اولین گام برای برنامه‌ریزی صحیح و سیاست‌گذاری اثربخش در حوزه پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به منزله یکی از اهرم‌های اصلی توسعه کشاورزی و روستایی، شناخت و درک دقیق شاخص‌های سنجش پایداری کسب‌وکارها و عوامل تأثیرگذار بر پایداری آنها می‌باشد تا بتوان به‌واسطه کسب داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق آنها، زمینه لازم را برای بهبود سطح پایداری کسب‌وکارها فراهم نمود. اهمیت این موضوع با در نظر گرفتن پیچیدگی و چند بعدی بودن مفهوم پایداری کسب‌وکارها از یک سو و متمایز بودن مدل‌ها و الگوهای پایداری کسب‌وکارها بر اساس مشخصه‌های محلی و مکانی مناطق مختلف از سوی دیگر، دو چندان است (خسرویگی و همکاران، ۱۳۹۰). علی‌رغم ضرورت مسأله، بررسی‌ها حاکی از آن است که تاکنون پژوهش خاصی در این زمینه در استان کرمانشاه انجام نگرفته است، از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش ارائه الگوی پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه بود. بر اساس هدف اصلی تحقیق، در ادامه به تبیین مبانی نظری و تجربی مرتبط با محدوده موضوعی پژوهش پرداخته شده است.

پایداری کسب‌وکار، دستیابی استراتژیک و تلفیق اهداف اجتماعی، محیطی و اقتصادی کسب‌وکار از طریق هماهنگی نظام‌مند فرایندهای تجاری درون سازمانی اصلی برای بهبود عملکرد اقتصادی بلندمدت یک کسب‌وکار و شبکه ارزش آن می‌باشد (Carter & Rogres, 2008). البته، بایستی توجه داشت که پایداری، مفهومی متفاوت از استمرار و تداوم فعالیت کسب‌وکار است و بیشتر به توانایی واحدهای کسب‌وکار نسبت به باقی ماندن در محیط و اجتماع و در نهایت، ماندگاری در کل نظام اقتصادی برمی‌گردد (مشیرزاده، ۱۳۹۱). در واقع، پایداری کسب‌وکار منجر به انعطاف‌پذیری بیشتر کسب‌وکار می‌شود، به طوری که آنها را قادر می‌سازد تا خود را با تغییرات ایجاد شده انطباق دهند (Spence, 2015). بر اساس تحقیقات پیشین، خلق ارزش‌های مطلوب اجتماعی، شامل کارآیی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، عدالت بین نسلی و آینده‌نگری مواردی هستند که کسب‌وکارهای پایدار هم برای کسب‌وکار خود و هم برای جامعه به دنبال آن می‌باشند (Gibbs, 2009). با یک تفصیل کل‌نگر از طرح ارزش یعنی ارزش درهم تنیده اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و درون‌نسلی، کسب‌وکارهای پایدار قادر به تطبیق اهداف دوگانه توسعه پایدار و کسب ثروت و در نتیجه حل دوگانگی میان کسب‌وکار فرصت‌گرا و نیکوکاری نوع‌دوستانه یا دیگرخواه هستند (Parrish, 2010). به هر حال، آنچه مسلم است کسب‌وکارها در برابر نسل‌های آتی مسئول بوده و مجاز نیستند برای کسب سود بیشتر، حقوق آیندگان نسبت به منابع اقتصادی جهان از جمله محیط‌زیست و سایر انسان‌ها را از بین ببرند. در غیر این صورت، پایداری

کسب‌وکارها و تداوم سودآوری آنها امکان‌پذیر نخواهد بود؛ ضمن آنکه پایداری شرکت‌ها بر نظام اقتصادی جهان تأثیرگذار است و در نهایت، ناپایداری یا سقوط سازمان‌ها و بنگاه‌های تجاری موجب رکود و حتی سقوط اقتصادی جهانی خواهد شد (مشیرزاده، ۱۳۹۱). با در نظر گرفتن اهمیت مفهوم پایداری در حوزه کسب‌وکار، در سال‌های اخیر تعریف‌های مختلفی در خصوص پایداری کسب‌وکار ارائه شده است؛ در یک برداشت نسبتاً ساده، مرادزاده و احمدزاده (۱۳۸۵)، مفهوم پایداری کسب‌وکار را در بردارنده تعهدات واحدهای کسب‌وکار نسبت به انجام اصلاحات اصولی جهت ساختن دنیایی عادلانه، همراه با رفاه و آسایش برای همگان در نظر گرفته است که در آن، محیط پیرامون و نیز فرهنگ اصلی مردم حفظ شده و سهم نسل‌های آینده نیز از این منابع باقی بماند. در یک تعریف دیگر، استاندارد (ISO/CD9004 (2007)، پایداری یک بنگاه/سازمان را وابسته به ایجاد توازن بین منافع مالی-اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن سازمان دانسته و این مقوله را به ذینفعان مستقیم یا غیرمستقیم سازمان مرتبط می‌کند. در واقع، پایداری کسب‌وکار، توانایی حفظ یا توسعه عملکرد در بلندمدت و نتیجه تداوم رضایت ذینفعان کسب‌وکار در طول زمان است (خیاطیان و همکاران، ۱۳۹۵؛ یگانه و همکاران، ۱۳۹۶). مفهوم کسب‌وکار پایدار، کسب‌وکار مسئولانه اجتماعی را مدنظر داشته که متضمن ایجاد یک کسب‌وکار با روابط مثبت با جامعه‌ای است که در آن فعالیت می‌کند و رابطه کسب‌وکار با جامعه و محیط، عاملی کلیدی در توانایی آن برای عملکرد اثربخش به شمار می‌رود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان کسب‌وکار پایدار را کسب‌وکاری تعریف نمود که "ارزش اقتصادی ایجاد کند"، "ثروت عمومی همراه با مکانیسم مناسب برای توزیع آن را افزایش دهد"، "توجیه اقتصادی داشته باشد"، "محیط‌زیست را تخریب ننماید"، "اخلاقی هدایت شود"، و "مطابق با قوانین و مقررات باشد" (Spence, 2015). با توجه به لزوم شناسایی عوامل و متغیرهای اثرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، در سال‌های اخیر پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور در این زمینه انجام گرفته که در ادامه به بررسی و تبیین نتایج برخی از مهمترین آنها پرداخته شده است.

پارساپور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی درباره بررسی عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین در مشهد به این نتیجه رسیدند که تحصیلات مدیر، نحوه کنترل و نظارت بنگاه توسط مدیر، ریسک‌پذیری مدیر، آگاهی از فرصت‌های بازار، تعداد دوره آموزشی کارکنان، دسترسی به بازار و اتکاء به تأمین مالی استقراری از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار بر پایداری بنگاه‌ها بودند. خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران به این نتیجه رسیدند که ماهیت پایداری شرکت‌ها از چهار مؤلفه نتایج مالی، نتایج بازار، نتایج نوآوری و نتایج کارآفرینی تشکیل شده است. همچنین، عوامل مؤثر بر پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان دارای دو مؤلفه اصلی عوامل

درون‌سازمانی (متشکل از دو دسته عوامل فردی مؤسسين و عوامل شرکتی) و عوامل برون‌سازمانی (متشکل از دو دسته عوامل ویژگی‌های کسب‌وکار و مؤلفه‌های نظام نوآوری) بود. نتایج مطالعه پژوهان و همکاران (۱۳۹۵) پیرامون عوامل مؤثر بر پایداری سازی شرکت‌های تولیدکننده بذر استان خوزستان نشان داد که پنج عامل حمایتی و نظارتی، آموزش و توانمندسازی، استانداردسازی و رضایت‌مندی، کاربرد فناوری‌های نوین و مهارت‌های بازرگانی در مجموع ۷۰ درصد از واریانس پایداری شرکت‌های تولیدکننده بذر را به خود اختصاص دادند. در مطالعه دیگری ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی در شهرستان زابل پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که تجربه کار کشاورزی مدیران این کسب‌وکارها، تعداد اعضای خانوار مدیر، میزان وام دریافتی برای احداث کسب‌وکار، تحصیلات مدیر، سن مدیر، تعداد نیروی کار مشغول در کسب‌وکار، فاصله محل کسب‌وکار تا شهر و میزان سطح زیر کشت، بر موفقیت این کسب‌وکارها تأثیر معنی‌داری داشتند. درین‌ی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به مدل‌یابی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط در استان مازندران پرداخته‌اند. بر اساس نتایج به‌دست آمده، عوامل مدیریتی، بازاریابی و فروش، تولید و عملیات، تحقیق و توسعه، مالی، فناوری و اطلاعات، ساختار سازمانی، اندازه شرکت، استراتژی، سیستم سازمانی و منابع سازمانی، به عنوان عوامل داخلی بر عملکرد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تأثیرگذار بودند.

Benzazoua Bouazza *et al.* (2015) عوامل اثرگذار بر رشد و موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط الجزایر را در قالب دو دسته عوامل داخلی (ویژگی‌های کارآفرینی، ظرفیت مدیریت، مهارت‌های بازاریابی و ظرفیت‌های فناوری) و عوامل خارجی (قوانین، دسترسی به تأمین مالی و ظرفیت منابع انسانی) دسته‌بندی کرده‌اند. (2015) Regasa در بررسی عوامل تأثیرگذار بر پایداری و موفقیت بنگاه‌های صنعتی در منطقه تیگاری به این نتیجه دست یافت که توسعه زیربنایی و رقابت و دسترسی به بازار رابطه مثبت و معنی‌دار و متغیرهای نرخ بهره و دسترسی به اعتبارات رابطه منفی و معنی‌داری با پایداری این بنگاه‌ها داشتند. Christina *et al.* (2014) در بررسی موانع و چالش‌های پیش‌روی مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط در کشور اردن به این نتیجه دست یافت که ضعف در سیاست‌های دولت برای حمایت از بنگاه‌ها، مسائل اداری و مدیریتی، کمبود سرمایه و منابع مالی و نبود بازارهای کافی، مهمترین موانع فراروی مدیران این نوع شرکت‌ها بودند. (2014) Romeo Asa & Shalendra Prasad در پژوهشی پیرامون عوامل تأثیرگذار بر پایداری و موفقیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشور زامبیا مشخص کردند که عوامل مدیریتی، آموزشی، پاسخگویی و چالاک‌ی راهبردی از جمله عوامل مؤثر بر پایداری این نوع کسب‌وکارها بودند. (2013) Khalil در تحقیق خود مهمترین موانع توسعه پایدار کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشور اردن را بررسی نموده است. نتایج این مطالعه نشان داد که نبود فناوری‌های اطلاعاتی، کمبود منابع مالی، ضعف آموزش کارشناسان و مدیران بنگاه‌ها، قوانین و مقررات سختگیرانه و انعطاف‌ناپذیر، ضعف در زیرساخت‌ها، پایین بودن کیفیت محصولات تولید شده، دسترسی کم به تسهیلات و منابع اعتباری، ضعف حمایت از سوی دولت و پایین بودن سطح تجربه مدیران، از جمله موانع توسعه پایدار کسب‌وکارها بودند. با توجه به مطالب اشاره شده در بخش‌های پیشین و نیز بر اساس هدف اصلی تحقیق، الگوی اولیه و کلی پژوهش در قالب نگاره ۱ ترسیم شده است.



نگاره ۱. الگوی مفهومی اولیه حاصل از مرور مبانی نظری و تجربی پژوهش

اهداف تحقیق

هدف کلی این مطالعه طراحی مدل پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه می باشد. بر این اساس، هدف‌های اختصاصی زیر جهت دستیابی به هدف کلی اشاره شده مد نظر قرار می گیرند:

- شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های سنجش پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه به تفکیک ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی؛
- شناسایی عوامل درون سازمانی و برون سازمانی تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. روند اجرای پژوهش در این مطالعه در دو فاز شامل مرور مبانی نظری و تجربی و مطالعه میدانی صورت گرفته است. در فاز اول، مبانی نظری و تجربی مرتبط با محدوده موضوعی پژوهش به روش فراتحلیل کیفی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج این بخش از پژوهش منجر به استخراج مدل اولیه و کلی تحقیق گردید (نگاره ۱). در فاز دوم نیز با بهره‌گیری از رویکردی کیفی و مطالعه میدانی اقدام به طراحی شاخص‌های سنجش پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی و همچنین، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر پایداری آنها گردید.

جامعه مورد مطالعه در فاز میدانی پژوهش، خبرگان موضوعی و مطلعان کلیدی شامل پنج نفر از کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان، چهار نفر از اساتید دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه، هفت نفر از کارآفرینان موفق در بخش کشاورزی استان بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از تکنیک گلوله‌برفی انتخاب شدند.

جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند انفرادی حول چند پرسش کلیدی درباره شاخص‌های پایداری کسب‌وکارها و عوامل تأثیرگذار بر پایداری آنها بهره گرفته شد که مدت زمان مصاحبه‌ها به طور میانگین از ۲۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. اندازه نمونه و فرایند گردآوری اطلاعات تا سطح اشباع نظری یا آستانه سودمندی اطلاعات در دسترس ادامه یافت که پس از انجام ۲۰ مصاحبه، کفایت داده‌ها حاصل شد و در نتیجه فرایند جمع‌آوری داده‌ها خاتمه یافت.

در این مطالعه، تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، از طریق کدگذاری (باز و محوری) انجام پذیرفت. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh & Shanon, 2005). به عبارت دیگر، با این نوع تحلیل می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و

کنترل‌شده مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت (Mayring, 2000). اگر چه فرایند تحلیل داده‌ها در پژوهش کیفی با مدیریت ذهنی انسانی سروکار دارد و نرم‌افزار نمی‌تواند جایگزین آن شود، اما زمانی که حجم داده‌ها زیاد باشد، استفاده از نرم‌افزارهای کیفی توصیه می‌شود (ذولفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰).

در این زمینه، با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا می‌توان تحلیل محتوای مصاحبه‌های میدانی را با سرعت، دقت و سهولت بیشتری انجام داد (علی‌بابایی، ۱۳۹۶). از این رو، در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها از این نرم‌افزار استفاده شد. در طول تحقیق به منظور رسیدن به روایی و پایایی لازم، افزون بر گزینش هدفمند نمونه‌ها برای مصاحبه، در طول مصاحبه نیز تلاش شد تا با طرح مفاهیم و مصادیق مرتبط با پرسش‌های محوری، زمینه برای هدایت جریان گفتگو به مسیر مورد نظر فراهم شود تا از طرح پاسخ‌های سطحی و غیرضروری پرهیز گردد. بدین ترتیب، روند مصاحبه و جمع‌بندی دیدگاه‌ها در مسیر تعیین شده حفظ گردید و درکی کلی از محورهای بحث به دست آمد.

افزون بر این، از دیگر تدابیر می‌توان به مواردی چون طرح شفاف و صریح پرسش‌ها، انجام مصاحبه در شرایط مناسب برای پاسخگویان، بازنگری اولیه و تکرار مصاحبه در موارد معین، تنوع‌بخشی به پرسش‌های مطرح شده از طریق شکستن پرسش‌های محوری و نحوه طرح آنها، اطمینان‌بخشی به مصاحبه‌شوندگان درباره محرمانه ماندن و امانت‌داری در قبال اطلاعات ارائه شده، و مشارکت‌دهی آنها در جمع‌بندی دیدگاه‌های ارائه شده به منظور نزدیک ساختن برداشت‌های متقابل اشاره کرد.

یافته‌ها

به منظور طراحی و شناسایی شاخص‌های سنجش و عوامل اثرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی استان کرمانشاه، ۲۰ نفر از خبرگان و مطلعان کلیدی مورد مطالعه قرار گرفتند که در این میان، چند پرسش کلی از نمونه مورد مطالعه پرسیده شد، مبنی بر اینکه «چطور کسب‌وکار شما توانسته هم‌چنان برای چندین سال متوالی به فعالیت خود ادامه دهد؟ در کسب‌وکار شما از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی چه معیارهایی مورد توجه قرار گرفته است؟ در واقع چه عواملی باعث پایداری کسب‌وکار شما در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی شده است؟». در هر گام از پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده که در قالب یادداشت‌های میدانی و نوارهای ضبط شده بودند، توسط محقق در محیط نرم‌افزار Word پیاده‌سازی و پس از بررسی خط به خط متن مصاحبه‌ها، جمله‌های مرتبط با پرسش‌های پژوهش‌شناسایی و مشخص شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا و طی دو مرحله کدگذاری باز و محوری، در محیط نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۱۱ انجام شد که خروجی حاصل از آن در جدول‌های ۱ و ۲ ارائه شده است.

شاخص‌ها و مؤلفه‌های پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی

در طی فرایند تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز، با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا واحدهای معنی مرتبط با شاخص‌های پایداری کسب‌وکارها، به صورت جملات یا مفاهیمی از بیانات و متون مصاحبه‌ها مشخص شد. به این ترتیب، تعداد ۱۸ نشانه پایداری اقتصادی، ۱۴ نشانه پایداری اجتماعی و ۱۲ نشانه پایداری زیست‌محیطی در نتیجه کدگذاری باز استخراج شد. در مرحله بعدی و طی کدگذاری محوری، کدهای اولیه حاصل از کدگذاری باز طبقه‌بندی و مقوله‌بندی گردید. به این ترتیب آن دسته از نشانه‌هایی که رابطه نزدیکی با یکدیگر داشتند در یک مقوله اصلی قرار گرفتند. حاصل این مرحله از کدگذاری محوری، فشرده‌سازی نشانه‌های استخراجی به ۴ مقوله اصلی در بعد اقتصادی، ۳ مقوله اصلی در بعد اجتماعی و ۳ مقوله اصلی در بعد زیست‌محیطی بود.

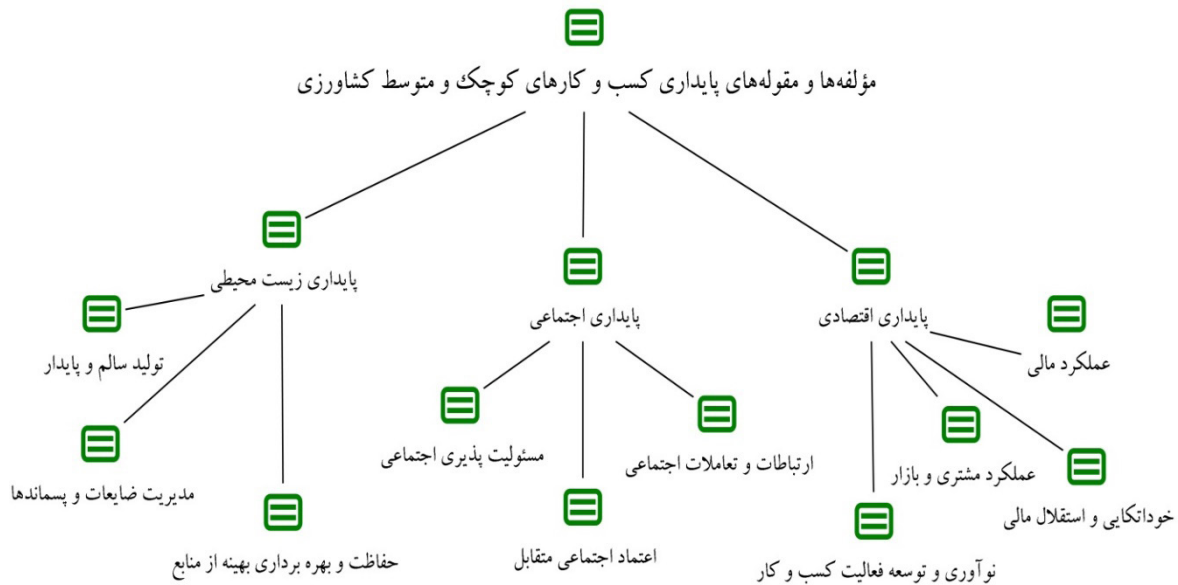
در جدول ۱ و نگاره ۲ خروجی حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ارائه شده است. افزون بر این، همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده، بر اساس فراوانی هر یک از نشانه‌ها به اولویت‌بندی آنها در داخل هر مقوله پرداخته شده است.

جدول ۱. نشانه‌ها و مقوله‌های مرتبط با مؤلفه‌های اصلی پایداری کسب‌وکارهای کشاورزی به همراه فراوانی و اولویت نشانه‌ها

| مؤلفه پایداری اقتصادی | | | |
|-----------------------|---|------------------|--------------------------------|
| اولویت | نشانه‌ها (کدگذاری باز) | فراوانی نشانه‌ها | مقوله اصلی (کدگذاری محوری) |
| ۱ | بهبود نرخ رشد فروش کسب‌وکار | ۸ | عملکرد مالی |
| ۲ | تداوم میزان سود خالص کسب شده از تولید محصولات کسب‌وکار | ۷ | |
| ۳ | مناسب بودن وضعیت نقدینگی مالی کسب‌وکار | ۶ | |
| ۴ | مناسب بودن وضعیت بازگشت سرمایه در کسب‌وکار | ۵ | |
| ۱ | مستقل شدن کسب‌وکار از نظر مالی (ادامه فعالیت تولیدی بودن اتکاء به وام‌های دولتی و دیگر کمک‌های مالی) | ۶ | خوداتکایی و استقلال مالی |
| ۲ | میزان پس‌انداز مالی فعلی کسب‌وکار | ۶ | |
| ۳ | توسعه فعالیت‌های کسب‌وکار با اتکاء به درآمد و سود حاصل از تولیدات خود کسب‌وکار | ۴ | |
| ۴ | توانایی کسب‌وکار برای ادامه فعالیت در صورت بروز نوسانات محیطی به ویژه نبود ثبات اقتصادی | ۳ | |
| ۱ | وضعیت بازاریابی محصولات تولیدی کسب‌وکار | ۸ | عملکرد مشتری و بازار |
| ۲ | برخوررداری از ویژگی مشتری‌گرایی (افزایش رضایت مشتریان، تضمین کیفیت محصولات فروخته شده، توجه به خواسته‌ها و نیازهای اصلی مشتریان و غیره) | ۷ | |
| ۳ | معرفی کسب‌وکار به عنوان یک برند/ نام تجاری معتبر در منطقه | ۶ | |
| ۴ | شناسایی و ورود به بازارهای جدید برای ارائه محصولات تولیدی کسب‌وکار | ۵ | |
| ۵ | موفقیت در حفظ مشتریان کنونی و یا جذب مشتریان جدید | ۴ | |
| ۶ | میزان سهم بازار کسب‌وکار در مقایسه با کسب‌وکارهای رقیب در منطقه | ۴ | |
| ۱ | بهبود استانداردهای تولید و ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی کسب‌وکار | ۹ | نوآوری و توسعه فعالیت کسب‌وکار |
| ۲ | استفاده کسب‌وکار از تجهیزات و فناوری‌های به‌روز و پیشرفته | ۷ | |
| ۳ | استفاده کسب‌وکار از رویه‌ها و شیوه‌های تولید نوآورانه | ۵ | |
| ۴ | تنوع‌بخشی و توسعه دامنه فعالیت‌ها به منظور تولید و معرفی محصولات جدید به بازار | ۴ | |

| مؤلفه پایداری اجتماعی | | |
|---|--|----------------------------|
| اولویت | نشانه‌ها (کدگذاری باز) | فراوانی نشانه‌ها |
| | | مقوله اصلی (کدگذاری محوری) |
| ۱ | برخورداری کسب‌وکار از ارتباط متقابل با مشتریان و مصرف‌کنندگان | ۱۱ |
| ۲ | ارتباط کسب‌وکار با دیگر بنگاه‌ها و شبکه‌های تولیدی، تأمین‌کنندگان منابع، توزیع‌کنندگان و فروشندگان فعال در منطقه | ۹ |
| ۳ | دسترسی و ارتباط کسب‌وکار با مراکز و سازمان‌های ذی‌ربط اعم از شرکت تعاونی، سازمان جهاد کشاورزی، مراکز خدمات کشاورزی، مراکز تحقیقاتی و غیره | ۷ |
| ۴ | میزان دسترسی کسب‌وکار به کانال‌ها و منابع اطلاعاتی (مراکز مشاوره تخصصی و فنی، بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌های اینترنتی معتبر و غیره) | ۵ |
| ارتباطات و تعاملات اجتماعی | | |
| ۱ | رعایت حقوق (مادی یا معنوی) کارکنان و کارگران خود کسب‌وکار | ۱۲ |
| ۲ | ایجاد و گسترش فرصت‌های شغلی برابر در منطقه | ۱۰ |
| ۳ | کمک به کاهش فقر و بهبود سطح رفاه و کیفیت زندگی مردم محلی منطقه | ۹ |
| ۴ | کاهش شکاف طبقاتی و افزایش مساوات اجتماعی در بین مردم محلی | ۷ |
| ۵ | جلوگیری از مهاجرت افراد محلی در روستاها به شهرها | ۷ |
| ۶ | خلق ارزش‌های اجتماعی همچون استفاده از دانش بومی، توجه به گروه‌های آسیب‌پذیر و غیره | ۵ |
| مسئولیت‌پذیری اجتماعی | | |
| ۱ | اشتراک اطلاعات و تجربیات کاری با رقباء و کسب‌وکارهای مشابه فعال در منطقه | ۸ |
| ۲ | اعتماد مشتریان و مصرف‌کنندگان به کسب‌وکار | ۷ |
| ۳ | داشتن محبوبیت و اعتبار اجتماعی در بین مردم محلی | ۵ |
| ۴ | اعتماد به به شرکاء و دیگر بنگاه‌ها در زمینه فعالیت کسب‌وکار | ۴ |
| اعتماد اجتماعی متقابل | | |
| مؤلفه پایداری زیست‌محیطی | | |
| اولویت | نشانه‌ها (کدگذاری باز) | فراوانی نشانه‌ها |
| | | مقوله اصلی (کدگذاری محوری) |
| ۱ | توجه به اصول توسعه پایدار اعم از کاربرد روش‌های جایگزین کنترل آفات از قبیل کنترل زراعی و بیولوژیکی، استفاده از کودهای آلی و سازگار با طبیعت، کاهش مصرف نهاده‌های شیمیایی و غیره در فعالیتهای تولیدی کسب‌وکار | ۱۴ |
| ۲ | تولید محصول سالم و ایمن به لحاظ ویژگی‌های کیفی | ۱۲ |
| ۳ | عدم ایجاد آلودگی منابع آب سطحی یا زیرزمینی ناشی از فعالیتهای تولیدی کسب‌وکار | ۱۲ |
| ۴ | عدم آلاینده‌گی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیتهای تولیدی کسب‌وکار | ۹ |
| ۱ | استفاده بهینه و پایدار از منابع آب | ۱۴ |
| ۲ | استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشید، باد، زیست‌توده و غیره به جای سوخت‌های فسیلی (اعم از گازوئیل، بنزین و غیره) در فعالیتهای کسب‌وکار | ۱۲ |
| ۳ | اجتناب از تخریب محیط‌زیست و آسیب به تنوع زیستی منطقه | ۱۱ |
| ۴ | استفاده از فناوری‌ها و طرح‌های کاهنده مصرف انرژی در کسب‌وکار | ۸ |
| ۵ | اختصاص بخشی از درآمدهای تولیدی کسب‌وکار به برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با حفظ محیط‌زیست | ۶ |
| حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زیست‌محیطی | | |
| ۱ | مدیریت و کاهش میزان تولید زباله‌ها و ضایعات در حین فعالیتهای تولیدی کسب‌وکار | ۱۳ |
| ۲ | تفکیک و جداسازی پسماندهای حاصل از فعالیتهای تولیدی کسب‌وکار | ۱۲ |
| ۳ | فراوری و بازیافت پسماندها و زباله‌های غیرقابل تجزیه | ۹ |
| مدیریت ضایعات و پسماندها | | |

همانطور که از نگاره ۲ پیداست، مقوله‌های اصلی پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه در مؤلفه اقتصادی به طور مشخص شامل عملکرد مالی، خوداتکایی و استقلال مالی، عملکرد مشتری و بازار و نوآوری و توسعه فعالیت کسب و کار؛ در مؤلفه اجتماعی در بردارنده ارتباطات و تعاملات اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اعتماد اجتماعی متقابل؛ و در نهایت، در مؤلفه زیست‌محیطی شامل تولید سالم و پایدار، حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زیست‌محیطی و مدیریت ضایعات و پسماندها می‌باشد.



نگاره ۲. مؤلفه‌ها و مقوله‌های اصلی پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

عوامل تأثیرگذار بر پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر پایداری کسب و کارها نیز همانند شاخص‌ها و مؤلفه‌های پایداری، در مرحله کدگذاری باز، واحدهای معنی به صورت جملات یا مفاهیمی از بیانات و متون مصاحبه‌ها مشخص شد. در مرحله بعدی و طی کدگذاری محوری با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا، آن دسته از نشانه‌هایی که رابطه نزدیکی با یکدیگر داشتند در یک مقوله قرار گرفتند که نتایج حاصل از آن در جدول ۲ و نگاره ۳ ارائه شده است. همچنین، همانطور که از جدول ۲ پیداست بر اساس فراوانی هر یک از نشانه‌ها به اولویت‌بندی آنها در داخل هر مقوله پرداخته شده است.

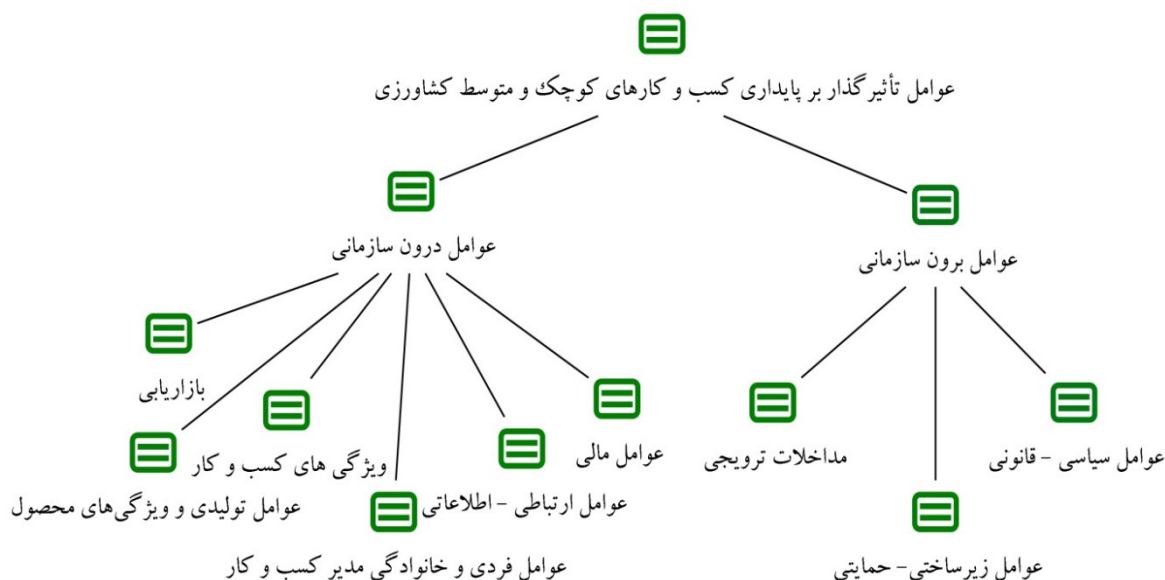
جدول ۲. نشانه‌ها و مقوله‌های مرتبط با عوامل تأثیرگذار بر پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی به همراه فراوانی و اولویت نشانه‌ها

| عوامل درون‌سازمانی | | نشانه‌ها (کدگذاری باز) | فراوانی نشانه‌ها | مقوله اصلی (کدگذاری محوری) |
|--------------------|---|--|---------------------|--------------------------------------|
| | ۱ | داشتن سابقه و تجربه کاری مرتبط با کسب و کار | ۱۱ | عوامل فردی و خانوادگی مدیر کسب و کار |
| | ۲ | داشتن تحصیلات و رشته تحصیلی مرتبط با حوزه فعالیت کسب و کار | ۱۰ | |
| | ۳ | داشتن قابلیت‌های کارآفرینانه به ویژه ریسک‌پذیر و نوآور بودن | ۸ | |
| | ۴ | داشتن مهارت‌های عمومی کسب و کار اعم از مهارت‌های ارتباطی، مهارت در انتخاب مکان، نام و نوع کسب و کار و غیره | ۷ | |
| | ۵ | برخورداری از دانش و اطلاعات به روز و مهارت‌های فنی مرتبط با کسب و کار | ۶ | |
| | ۶ | آشنایی با مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار و کسب و کارهای سبز و فرایند مدیریت آنها | ۵ | |
| | ۷ | برخورداری از پشتوانه مالی مناسب از سوی خانواده | ۴ | |

| | | | |
|-----------------------------------|------------------|---|---|
| عوامل مرتبط با بازاریابی | ۱۳ | تجزیه و تحلیل درست مسائل بازار و تدوین برنامه بازاریابی مستمر برای کسب‌وکار | ۱ |
| | ۱۲ | به کارگیری روش قیمت‌گذاری مناسب برای فروش محصولات | ۲ |
| | ۱۰ | مدیریت توزیع و فروش محصولات به‌ویژه از نظر انتخاب زمان و مناطق فروش | ۳ |
| | ۱۰ | اطلاع‌رسانی و داشتن تبلیغات مؤثر برای معرفی محصولات تولید شده | ۴ |
| | ۸ | شناسایی و تعیین آگاهانه بازار هدف درست به‌ویژه برای فروش محصولات پاک (سبز) | ۵ |
| | ۷ | عرضه محصولات با برند/ نام تجاری مشخص و شناخته شده در منطقه به‌ویژه در حوزه محصولات پاک | ۶ |
| عوامل ارتباطی و اطلاعاتی | ۹ | گردآوری مستمر اطلاعات مرتبط با انتظارات و نیازهای مشتریان و برقراری ارتباط مؤثر با آنان | ۱ |
| | ۷ | شبکه‌سازی و ایجاد تعامل و ارتباط اثربخش بین کسب‌وکارهای کشاورزی به‌ویژه مابین کسب‌وکارهای کشاورزی سبز در منطقه | ۲ |
| | ۶ | تعامل و ارتباط با دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و دیگر سازمان‌های ذی‌ربط | ۳ |
| | ۵ | ارتباط با مشاوران و متخصصان در فرایند تولید و بازاریابی محصول | ۴ |
| عوامل اقتصادی - مالی | ۱۶ | داشتن سرمایه اولیه کافی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار | ۱ |
| | ۱۵ | دسترسی کسب‌وکار به کمک‌ها و تسهیلات اعتباری | ۲ |
| | ۱۲ | میزان سودآوری و عملکرد مالی کسب‌وکار | ۳ |
| | ۱۲ | مدت زمان بازدهی محصول و بازگشت سرمایه در کسب‌وکار | ۴ |
| | ۱۰ | مدیریت هزینه‌های تولید به ویژه هزینه‌های کارگری و خرید نهاده‌ها | ۵ |
| | ۸ | میزان سرمایه در گردش کسب‌وکار | ۶ |
| عوامل تولیدی و ویژگی‌های محصول | ۱۷ | دسترسی کافی به منابع و نهاده‌های مورد نیاز برای تولید | ۱ |
| | ۱۶ | وجود مزیت نسبی در محصول تولیدی (اعم از قیمت، کیفیت و غیره) | ۲ |
| | ۱۴ | تولید محصول با کیفیت مناسب مطابق با استانداردهای رایج به‌ویژه از نظر سالم و پاک بودن محصول | ۳ |
| | ۱۲ | متفاوت و متمایز بودن محصول تولید شده با دیگر محصولات موجود در بازار | ۴ |
| | ۱۰ | استفاده از فناوری‌های نوین برای تولید محصول به‌ویژه محصولات پاک | ۵ |
| عوامل مرتبط با ویژگی‌های کسب‌وکار | ۱۳ | سابقه فعالیت کسب و کار | ۱ |
| | ۱۲ | مالکیت شخصی بر کسب و کار | ۲ |
| | ۱۲ | اندازه کسب‌وکار (ظرفیت فیزیکی/ تعداد نیروی انسانی/ میزان دارایی و سرمایه کسب و کار) | ۳ |
| | ۱۱ | موقعیت مکانی یا جغرافیایی کسب و کار | ۴ |
| | ۱۰ | داشتن نیروی انسانی آموزش دیده و متخصص | ۵ |
| | ۸ | وجود جو اعتماد و اطمینان بین اعضاء | ۶ |
| عوامل برون‌سازمانی | | | |
| مقوله اصلی (کدگذاری محوری) | فراوانی نشانه‌ها | نشانه‌ها (کدگذاری باز) | |
| عوامل زیرساختی- حمایتی | ۱۷ | وجود مراکز و زیرساخت‌های پشتیبانی فنی، آموزشی، اطلاعاتی و پژوهشی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی | ۱ |
| | ۱۵ | تخصیص بارانه‌های تولید و ارائه تسهیلات مناسب به کسب‌وکارهای کشاورزی به‌ویژه کسب‌وکارهای فعال در حوزه حفاظت زیست‌محیطی و دارای فرایندهای تولید پاک | ۲ |
| | ۱۴ | وجود مشوق‌های مالیاتی، بیمه‌ای و گمرکی به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کشاورزی سبز | ۳ |
| | ۱۳ | ایجاد و تقویت بازارهای محلی مناسب به‌ویژه بازارهای سبز برای عرضه سریع و آسان محصولات کسب‌وکارهای کشاورزی | ۴ |
| | ۱۱ | وجود زیرساخت‌های عمرانی مورد نیاز برای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی (جاده، برق، مخابرات و غیره) | ۵ |
| | ۱۰ | وجود نظام بیمه‌ای مشخص و جامع مختص کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی | ۶ |
| | ۷ | ایجاد صنایع بازیافت و چرخه تولید مجدد برای ضایعات محصولات کسب‌وکارهای کشاورزی فعال در منطقه | ۷ |

| | | | |
|-------------------------------|----|---|---|
| عوامل سیاسی-قانونی | ۱۷ | شفاف و به روز بودن قوانین و امور حقوقی و سیاست‌های مرتبط در حوزه کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی | ۱ |
| | ۱۶ | تدوین قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های منحصر بفرد کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی با تأکید بر کسب و کارهای سبز | ۲ |
| | ۱۵ | کاهش بوروکراسی اداری و نبود رویه‌ها و سیستم‌های غیرمنعطف دولتی برای ارائه خدمات مختلف به کسب و کارهای کشاورزی | ۳ |
| | ۱۲ | ثبات قوانین و سیاست‌های حمایتی در حوزه کسب و کارهای کوچک و متوسط به‌ویژه در بخش کشاورزی | ۴ |
| | ۱۰ | تشویق و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در حوزه کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی | ۵ |
| | ۱۰ | رفع موانع قانونی (اعم از اخذ جواز تأسیس، صادرات و واردات، مالیات و عوارض و غیره) بر سر راه ایجاد و توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی | ۶ |
| عوامل مرتبط با مداخلات ترویجی | ۱۷ | فرهنگ‌سازی در بین مردم محلی در راستای تغییر رفتار آنها برای خرید و مصرف محصولات سبز | ۱ |
| | ۱۴ | معرفی و شناساندن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کسب و کارهای کشاورزی فعال در منطقه برای افراد محلی به‌ویژه هویت‌بخشی به کسب و کارهای کشاورزی سبز | ۲ |
| | ۱۲ | تسهیل تعامل و ارتباط بین کسب و کارهای کشاورزی و شبکه‌سازی بر مبنای برقراری پیوند بین آنها با یکدیگر و با سایر نهادهای ذی‌ربط | ۳ |
| | ۱۰ | آگاه‌سازی و آگاهی‌بخشی صاحبان و مدیران کسب و کارهای کشاورزی پیرامون مسایل مرتبط با توسعه کسب و کارهای سبز به‌ویژه از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر | ۴ |
| | ۸ | ارائه خدمات مشاوره‌ای مستمر به منظور پشتیبانی فنی و اطلاعاتی از کسب و کارهای کشاورزی در حوزه مسایل مرتبط با توسعه پایدار و کارآفرینی سبز | ۵ |

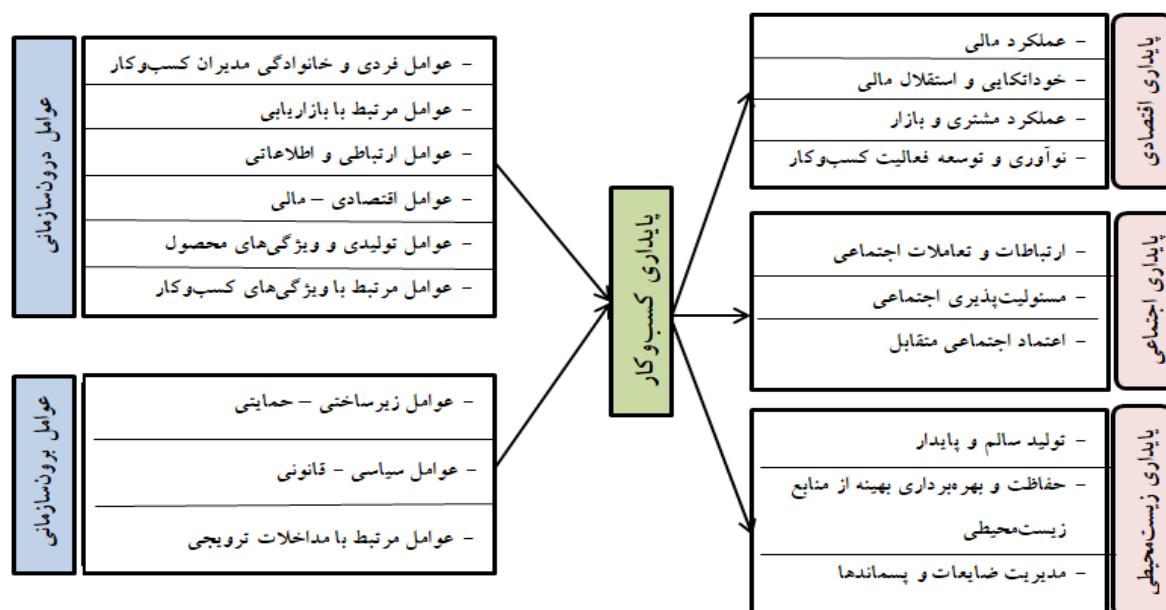
با توجه به نتایج کسب شده در نگاره ۳ حاصل از خروجی نرم‌افزار مکس کیودا، مشخص می‌شود که اصلی‌ترین مقوله‌های عوامل درون‌سازمانی تأثیرگذار بر پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه شامل عوامل فردی و خانوادگی مدیر، عوامل مرتبط با بازاریابی، عوامل اقتصادی-مالی، عوامل تولیدی و ویژگی‌های محصول، عوامل مرتبط با ویژگی‌های کسب و کار و عوامل ارتباطی و اطلاعاتی می‌باشند. به طور مشابه، در خصوص عوامل برون‌سازمانی، نتایج نشان داد که اصلی‌ترین مقوله‌های این عوامل در بردارنده عوامل سیاسی-قانونی، زیرساختی-حمایتی و عوامل مرتبط با مداخلات ترویجی، می‌باشند.



نگاره ۳. عوامل تأثیرگذار بر پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی

بر اساس تحلیل جامع و گسترده‌ای که روی داده‌های حاصل از پژوهش صورت گرفت، به نظر می‌رسد پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی، تحت تأثیر عوامل درونی (درون‌سازمانی) و بیرونی (برون‌سازمانی) متعددی باشد. به عبارت دیگر، برخی از عواملی که بر پایداری کسب و کارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه تأثیرگذار هستند، به محیط داخلی

این نوع کسب‌وکارها و برخی دیگر از عوامل، به محیط بیرونی آنها مرتبط می‌شوند. بنابراین، عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی به عنوان دو مضمون تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی تشخیص داده شدند. در این راستا، نتایج حاصل از مقایسه مداوم بین مقولات و همچنین، ماهیت هر کدام از آنها به عنوان عامل درونی و بیرونی، نشان داد که «عوامل فردی و خانوادگی مدیر کسب و کار»، «عوامل مرتبط با بازاریابی»، «عوامل ارتباطی و اطلاعاتی»، «عوامل اقتصادی-مالی»، «عوامل تولیدی و ویژگی‌های محصول» و «عوامل مرتبط با ویژگی‌های کسب‌وکار»، به عنوان عوامل درون‌سازمانی و «عوامل زیرساختی-حمایتی»، «عوامل سیاسی-قانونی» و «عوامل مرتبط با مداخلات ترویجی»، به عنوان عوامل برون‌سازمانی شناسایی شدند. به این ترتیب، بر اساس مدل اولیه حاصل از بخش مبانی نظری و تجربی و همچنین، شاخص‌ها و مؤلفه‌های پایداری و عوامل تأثیرگذار شناسایی شده حاصل از بخش میدانی پژوهش، مدل پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه طراحی و تدوین شد (نگاره ۴).



نگاره ۴. مدل نهایی پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی

که پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی تحت تأثیر عوامل درون و برون‌سازمانی مختلفی قرار دارد. در واقع، در این مطالعه، تمامی عوامل اثرگذار به صورت یکجا از منظر درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مورد کنکاش و شناسایی قرار گرفت و الگویی چندبعدی و جامع برای توسعه کسب‌وکارهای پایدار کشاورزی در سطح استان کرمانشاه طراحی و ارائه شد. یافته‌های این تحقیق بر نقش عوامل فردی و خانوادگی مدیران کسب‌وکار در پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی صحنه گذاشت. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، سطح تحصیلات مدیر، سن مدیر، دانش و اطلاعات به روز مدیر، سابقه و تجربه کاری مرتبط با کسب‌وکار و برخورداری مدیران از پشتوانه مالی مناسب از سوی خانواده از جمله عوامل فردی و خانوادگی به عنوان یک عامل درون‌سازمانی تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کشاورزی بود. این یافته با نتایج مطالعات پارساپور و همکاران (۱۳۹۶)، خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)،

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف اصلی طراحی مدل پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه انجام گرفت. یکی از اصلی‌ترین نتایج این پژوهش، ارائه چارچوب و مدلی جامع برای پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در حوزه کشاورزی با در نظر داشتن توازن و تعامل بین ابعاد مختلف پایداری اعم از پایداری اقتصادی (شامل مؤلفه‌های عملکرد مالی، خوداتکایی و استقلال مالی، مشتری و بازار و نوآوری و توسعه فعالیت کسب‌وکار)، پایداری اجتماعی (شامل مؤلفه‌های ارتباطات و تعاملات اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اعتماد اجتماعی متقابل) و پایداری زیست‌محیطی (شامل مؤلفه‌های تولید سالم و پایدار، حفاظت و بهره‌برداری بهینه از منابع زیست‌محیطی و مدیریت ضایعات و پسماندها) است. افزون بر این، با داشتن رویکردی جامع و دیدگاهی کل‌گرایانه، نتایج این مطالعه کیفی حاکی از آن بود

بنگاه‌های کشاورزی به روز نبوده و در بسیاری از موارد دارای ابهام می‌باشند که یکی از دلایل اصلی این مسأله، نبود قانون جامع و مدون بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور می‌باشد، به نحوی که به جز تعدادی محدود، بیشتر قوانینی که در مورد این بنگاه‌ها اعمال می‌شوند، مختص شرکت‌ها و صنایع بزرگ می‌باشند و در آنها شرایط و ویژگی‌های خاص کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مد نظر قرار نگرفته است. همچنین، وجود محدودیت‌های قانونی متعدد جهت ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به ویژه برای اخذ جواز تأسیس همراه با مسأله بوروکراسی اداری شدید و رویه‌ها و سیستم‌های غیرمنعطف دولتی، منجر به ایجاد تأخیر بیشتری در فرایند راه‌اندازی و توسعه این نوع از کسب‌وکارها شده است.

از دیگر نتایج بارز پژوهش حاضر می‌توان به عوامل زیرساختی و حمایتی به عنوان عامل برون‌سازمانی تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه اشاره نمود.

به عنوان نمونه، ضعف در زیرساخت‌های عمرانی برای توسعه این نوع کسب‌وکارها با توجه به موقعیت مکانی و جغرافیایی این بنگاه‌ها، تأمین نهاده‌ها و بازاررسانی محصولات تولید شده را با مشکل جدی مواجه ساخته است. افزون بر این، علی‌رغم این‌که اصلاح و تقویت نهادهای پشتیبانی کننده توسعه کارآفرینی و بنگاه‌های کوچک و متوسط در مفاد قانونی برنامه پنجم توسعه به طور صریح مورد تأکید قرار گرفته است، ولی بر اساس نتایج این تحقیق مشخص شد که تقریباً هیچ مرکز تخصصی فنی، آموزشی و پژوهشی برای حمایت از این نوع کسب‌وکارها در سطح استان کرمانشاه ایجاد نشده که این موضوع به نوبه خود مسائل متعدد دیگری را به ویژه از نظر دسترسی به موقع به اطلاعات موثق و روزآمد در زمینه‌های مختلف اعم از فنی، آموزشی، پژوهشی، اداری، مشاوره‌ای و غیره به وجود آورده است.

عوامل مرتبط با مداخلات ترویجی، به عنوان یک عامل برون‌سازمانی تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی، از دیگر عواملی بود که اهمیت آن بر اساس نتایج این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. در این رابطه، مصاحبه‌شوندگان مورد مطالعه اذعان داشتند که نظام ترویج کشاورزی می‌تواند نقش بسیار حیاتی را در ارتقاء ظرفیت‌های تولید پایدار بخش کشاورزی از طریق آگاه‌سازی مدیران کسب‌وکارهای کشاورزی پیرامون مسائل مرتبط با توسعه کسب‌وکارهای سبز، ارائه خدمات مشاوره‌ای، تسهیل تعامل و ارتباط بین کسب‌وکارها و شبکه‌سازی بر مبنای برقراری پیوند بین آنها، معرفی و شناساندن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کسب‌وکارهای کشاورزی فعال در منطقه، فرهنگ‌سازی جهت خرید و مصرف محصولات سبز و تشکیل‌سازی و حمایت از تشکیل تعاونی‌ها و انجمن‌های کسب‌وکارهای کشاورزی سبز در منطقه و تشویق صاحبان کسب‌وکارها به عضویت در آنها عهده‌دار باشد.

این در حالی است که شواهد نشان می‌دهد ترویج کشاورزی

ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۴) و Benzazoua Bouazza *et al.* (2015) همخوانی داشت. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در خصوص عوامل تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارها، به مفاهیمی اشاره شد که با توجه به قرابت معنایی، این مفاهیم در مقوله اصلی بازاریابی و در مضمون کلی عوامل درونی جای گرفتند. در این راستا، نتایج مطالعات محققانی نظیر پارساپور و همکاران (۱۳۹۶)، درینی و همکاران (۱۳۹۴)، Regasa (2015) و Benzazoua Bouazza *et al.* (2015) اهمیت این عامل را تأیید می‌کنند. بر اساس اظهارات پاسخگویان مورد مطالعه، تأمین سرمایه اولیه برای راه‌اندازی کسب‌وکارها، همواره به عنوان یک چالش جدی برای آنها مطرح می‌باشد، زیرا این فرایند ممکن است بسیار زمان‌بر شده و از انگیزه افراد برای راه‌اندازی یا توسعه فعالیت کسب‌وکار بکاهد. بنابراین، عوامل اقتصادی - مالی از دیگر عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی بود. محققانی همچون پارساپور و همکاران (۱۳۹۶)، رضائی و صفا (۱۳۹۵)، ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۴)، Benzazoua, Regasa (2015) و Bouazza *et al.* (2015)، Khalil و Christina *et al.* (2014) نیز بر تأثیر عوامل اقتصادی بر پایداری کسب‌وکارها تأکید کرده‌اند.

با توجه به نتایج این مطالعه مشخص شد که یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در استان کرمانشاه ویژگی‌های کسب‌وکار بود. این یافته با نتایج مطالعات خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵) و درینی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت داشت. در این زمینه، بدون تردید یکی از اصلی‌ترین متغیرها اندازه کسب‌وکار می‌باشد که می‌تواند به شدت پایداری آن را تحت‌الشعاع قرار دهد. با توجه به اینکه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با کسب‌وکارهای بزرگ مقیاس تفاوت‌های اساسی دارند، بنابراین ضروری است که این موضوع در سیاستگذاری جهت بهبود فضای کسب‌وکارها در کشور به‌ویژه بخش کشاورزی مود توجه جدی قرار گیرد؛ به طور مسلم این نوع کسب‌وکارها نیاز به پشتیبانی و حمایت بیشتری از سوی نهادهای ذی‌ربط دارند.

اکثریت قریب به اتفاق خبرگان و مطلعان کلیدی مورد مطالعه درباره عوامل اثرگذار بر پایداری کسب‌وکارها به مفاهیمی اشاره کردند که با توجه به قرابت معنایی، در مقوله اصلی عوامل سیاسی و قانونی و در مضمون کلی عوامل برون‌سازمانی جای گرفتند. در این زمینه، همانطور که رضائی و صفا (۱۳۹۵) تأکید دارند، علی‌رغم اینکه در سال‌های اخیر برنامه‌ها و سیاست‌های مختلفی از سوی دولت به ویژه در قالب سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور تقویت و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تدوین شده، ولی در عمل به دلیل نبود برنامه‌ریزی راهبردی و عدم ثبات مدیریتی و سیاسی، بسیاری از این برنامه‌ها یا اجرا نشده و یا این‌که به شکل ناقص و ضعیفی عملیاتی شده‌اند. افزون بر موارد اشاره شده، در زمینه عوامل قانونی، مطابق با بیانات مصاحبه‌شوندگان، قوانین و امور حقوقی مربوط به

بررسی عوامل مؤثر بر پایدارسازی شرکت‌های تولیدکننده بذر استان خوزستان با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی. *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، دوره ۳، شماره ۴، صفحات ۵۳۳-۵۲۵.

۳- خدای پور، ا.، و شفیع همت‌آباد، ح. (۱۳۹۲). پایداری شرکت‌ها و اندازه‌گیری آن. *ماهنامه حسابرسان*، دوره ۶۹، صفحات ۵-۱.

۴- خسرویگی، ر.، شایان، ح.، سجاسی‌قیداری، ح.، و صادق‌لو، ط. (۱۳۹۰). سنجش و ارزیابی پایداری در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک تصمیم‌گیری چند متغیره فازی- تاپسیس. *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۱۸۵-۱۵۱.

۵- خیاطیان، م. ص.، الیاسی، م.، و طباطبائی، س. ح. (۱۳۹۵). الگوی پایداری شرکت‌های دانش بنیان در ایران. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، دوره ۸، شماره ۲، صفحات ۹۹-۴۹.

۶- درینی، م. و.، آقاجانی‌افروزی، ع. ا.، تابان، م.، و محمدی‌صالح، م. (۱۳۹۴). مدل‌یابی عوامل داخلی مؤثر بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط. *فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی*، دوره ۱۳، شماره ۳۶، صفحات ۹۴-۶۱.

۷- ذوالفقاریان، م. ر.، و لطیفی، م. (۱۳۹۰). *نظریه‌پردازی داده بنیاد با Nvivo8*. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

۸- رحیمیان، ن.، توکل‌نیا، ا.، و اسدی، ز. (۱۳۹۳). مسئولیت‌های اجتماعی و پایداری شرکت‌ها. *فصلنامه حسابدار رسمی*، شماره ۲۹، صفحات ۴۰-۳۲.

۹- رضائی، ر.، و صفا، ل. (۱۳۹۵). بررسی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین کشاورزی در استان زنجان. *فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی/ایران*، دوره ۲-۴۷، شماره ۱، صفحات ۷۹-۶۷.

۱۰- رکن‌الدین‌افتخاری، ع.، ایمانی‌خوشخو، م. ح.، پورطاهری، م.، و پورجم‌علویجه، ا. (۱۳۹۴). تحلیل بعد اجتماعی مدیریت کارآفرینی پایدار در صنعت هتلداری (مورد مطالعه: هتل‌های ۴ و ۵ ستاره شهر تهران). *دو فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری*، دوره ۳، شماره ۶، صفحات ۱۶۳-۱۳۹.

۱۱- سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمانشاه. (۱۳۹۶). گزارش آماری صنایع کوچک و متوسط استان کرمانشاه. اداره آمار و اطلاعات، سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمانشاه.

۱۲- سپه‌پناه، م.، و موحدی، ر. (۱۳۹۴). کارآفرینی پایدار رویکردی نو در کشاورزی. *فصلنامه کارآفرینی در کشاورزی*، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۳۶-۱۹.

۱۳- علی‌بابایی، ی. (۱۳۹۶). آموزش نرم‌افزار کیفی مکس کیودا. جزوه درسی (منتشر نشده)، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

۱۴- مرکز پارک علم و فناوری استان کرمانشاه. (۱۳۹۳). گزارشات سالیانه پارک علم و فناوری. مرکز پارک علم و

هنوز به طور جدی وارد حوزه مسائل مرتبط با پایداری کسب‌وکارهای کشاورزی نشده که این مسأله به نوبه خود می‌تواند فرایند پایداری کسب‌وکارها را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی با دشواری مواجه نماید.

پیشنهادها

بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- مدیران کسب‌وکار از کارشناسان و مشاوران بازاریابی که توانایی تجزیه و تحلیل فرصت‌های بازار و کسب اطلاعات صحیح و به موقع بازاریابی را دارند، بهره‌گیرند.

- از طریق تأمین و تخصیص منابع مالی از سوی دولت و توزیع آن از سوی بانک‌های عامل در سطح استان در قالب وام و تسهیلات اعتباری به متقاضیان تأسیس و توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی، تا حدودی ضعف مالی و کمبود نقدینگی بنگاه‌ها برطرف شود؛ در این زمینه، با اعمال نظارت و کنترل کافی می‌توان اثربخشی تسهیلات اعطایی را برای استفاده بهینه در زمینه‌های مرتبط افزایش داد. افزون بر این، ایجاد و راه‌اندازی صندوق حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی در سطح استان، از دیگر راهکارهای مؤثر برای تأمین مالی بنگاه‌ها می‌باشد.

- دولت به عنوان مداخله‌گر اصلی از طریق اصلاح و تقویت سیاست‌های خود به ویژه در حوزه کنترل و ثبات قیمت‌ها، ارایه حمایت‌های منسجم‌تر زیرساختی، مالی، قانونی و آموزشی و تسهیل واردات و صادرات برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط فعال در حوزه کشاورزی، شرایط مساعدتری را برای توسعه بنگاه‌ها فراهم سازد. همچنین، تدوین و اجرای نظام بیمه‌ای مشخص مختص کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی، ایجاد و راه‌اندازی مراکز تخصصی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تأمین نهاده و بازاریابی به منظور حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کشاورزی فعال در سطح استان کرمانشاه و ایجاد بازارهای محلی، استانی و غیره مناسب برای فروش محصولات و خدمات کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به ویژه با تأکید بر سازوکارهایی همچون برپایی نمایشگاه‌ها و انجام تبلیغات رسانه‌ای و اینترنتی، از دیگر پیشنهاد‌های این تحقیق در راستای نتایج مذکور می‌باشند.

- ساماندهی و تقویت شبکه ترویج کشاورزی کشور با مشارکت بخش خصوصی، تعاون، تشکل‌های غیردولتی کشاورزی و غیره در تعامل تنگاتنگ با مراکز آموزشی و تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی در راستای تسهیل توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی بر مبنای رویکرد پایدار از دیگر پیشنهاد‌های این مطالعه می‌باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- پارساپور، س.، براتی، ج.، و رسول‌زاده، م. (۱۳۹۶). عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین. *مورد مطالعه: بنگاه‌های صنعتی شهرستان مشهد. فصلنامه توسعه کارآفرینی*، دوره ۱۰، شماره ۱، صفحات ۶۰-۴۱.
- ۲- پژوهان، ع.، عمانی، ا. ر.، و حبیبی قهفرخی، ن. (۱۳۹۵).

- Journal of Business Venturing*, 25: 510-52
- 31- Regasa, D.G. (2015), External factors affecting firm growth: Evidence from small scale manufacturing firms in Tigray regional state of Ethiopia. *International Journal of Management and Business Research*, 5 (4): 279-286
- 32- Romeo Asa, A., & Shalendra Prasad, N. (2014). Analysis on the factors that determine sustainable growth of small firms in Namibia. *International Journal of Management Science and Business Administration*, 1 (1): 5-11
- 33- Spence, L.J. (2015). Primer business sustainability for small and medium enterprises (SMEs). Network for Business Sustainability. Retrieved from: <http://nbs.net/is-the-customer-really-king-a-closer-look-at-key-stakeholders-for-smes>
- 34- ISO/CD9004 (2007). International organization Research Report, Retrieved from: <http://www.iso.org/home.html> for standardization
- 35- Zhang, M., Macpherson, A., & Jones, O. (2006). Conceptualizing the learning process in SMEs Improving innovation through external orientation. *International Small Business Journal*, 24 (3): 299-323
- فناوری استان کرمانشاه.
- ۱۵- مشیرزاده، ه. (۱۳۹۱). پایداری شرکتی. ماهنامه حسابرس، دوره ۵۹، صفحات ۶۲-۵۴.
- ۱۶- مرادزاده، م.، و احمدزاده، ح. (۱۳۸۵). گزارشگری پایداری شرکتها. فصلنامه حسابدار، دوره ۲۱، شماره ۱۷۷، صفحات ۲۵-۱۷.
- ۱۷- ملاشاهی، غ. ع.، ظریفیان، ش.، و سارانی، و. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی شهرستان زابل. فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۶، شماره ۴، صفحات ۷۴۸-۷۳۹.
- ۱۸- یگانه، ل.، نوری، ر.، جعفری نیا، س.، و یگانه، ر. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت پایداری دانشی بنگاههای اقتصادی. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، دوره ۲۹، صفحات ۲۷۰-۲۴۹.
- 19- Atkinson, G. (2010). Measuring corporate sustainability. *Journal of Environmental Planning and Management*, 43 (2): 235-252
- 20- Benzazoua Bouazza, A., Ardjouman, D., & Abada, O. (2015). Establishing the factors affecting the growth of small and medium-sized enterprises in Algeria. *American International Journal of Social Science*, 4(2): 101-115
- 21- Carter, C.R., & Rogers, D.S. (2008). A framework of sustainable supply chain management: Moving toward new theory. *International Journal of Physical Distribution and Logistics Management*, 38 (5): 360-387
- 22- Christina, B., Neelufer, A., & Al Amri, S. (2014). Challenges and barriers encountered by the SMEs owners in Muscat. *Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 2(3): 1-13
- 23- Freeman, R.E. (2010). Strategic management: A stakeholder perspective. Cambridge University Press, United Kingdom.
- 24- Gibbs, D. (2009). Sustainability entrepreneurs, Ecopreneurs and the development of a sustainable economy. *Greener Management International*, (55): 63-78.
- 25- Honjo, Y., & Harada, N. (2006). SME policy, financial structure and firm growth: Evidence from Japan. *Small Business Economics*, 27(4-5): 289-300.
- 26- Hsieh, H.F., & Shannon, S.E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9): 1277-1288.
- 27- Khalil, A. (2013). Identification of barrier factors and potential solutions to SMEs development among Jordanian manufacturing sector. *Journal of Business and Management*, 8 (24): 132-140
- 28- Mayring, P.H. (2000). Qualitative content analysis. *Forum: Qualitative Social Research*, 1(2): 1-8.
- 29- Parrish, B.D. (2007). Designing the sustainable enterprise. *Futures*, 39: 846-860
- 30- Parrish, B.D. (2010). Sustainability-driven entrepreneurship: Principles of organization design.